



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ
إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا
وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكُمْ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ ۗ وَاللَّهُ
يُحْيِي ۖ وَيُمِيتُ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١٥٦﴾ وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مِتُّمْ لَمْ غَفِرَةً مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةً خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ
﴿١٥٧﴾ وَلَئِنْ مِتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَلِإِلَهِ تَحْشَرُونَ ﴿١٥٨﴾ فَبِمَا رَحْمَةٍ
مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ ۗ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا
مِنْ حَوْلِكَ ۗ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ
فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾
إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ ۚ وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي
يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ ۗ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٦٠﴾ وَمَا كَانَ
لِنَبِيِّ أَنْ يُغْلَ ۗ وَمَنْ يُغْلَ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ ثُمَّ تُوَفَّى
كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦١﴾ أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ
كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَا لَهُ جَهَنَّمَ ۗ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ
﴿١٦٢﴾ هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٣﴾

سوره آل عمران، آیات ۱۵۶ تا ۱۶۳

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همچون کسانی نباشید که کفر ورزیدند، و به برادرانشان هنگامی که به سفر رفته [و در سفر مُردند] و با جهاد کردند [و شهید شدند] گفتند: اگر نزد ما [مانده] بودند، نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند. [شما چنین سخنانی نگوئید] تا خدا آن را در دل‌هایشان حسرتی قرار دهد. و خدا زنده می‌کند و می‌میراند و خدا به آنچه می‌کنید، بیناست. ۱۵۶

اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، قطعاً آمرزش خدا و رحمت او از آنچه جمع می‌کنند، بهتر است. ۱۵۷

و اگر بمیرید یا کشته شوید قطعاً به سوی خدا گرد آورده خواهید شد. ۱۵۸
پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرمخو [و پر مهر] شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس از آنان در گذر و برایشان آمرزش بخواه و در کار [ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد. ۱۵۹

اگر خدا شما را یاری کند هیچ‌کس بر شما غالب نخواهد شد و اگر دست از یاری شما بردارد چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد کرد و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند. ۱۶۰

و هیچ پیامبری را سزاوار نیست که خیانت کند و هر کس خیانت کند روز قیامت با آنچه در آن خیانت کرده بیاید، آنگاه به هر کس [پاداش] آنچه کسب کرده به تمامی داده می‌شود و بر آنان ستم نمی‌شود. ۱۶۱

آیا کسی که خشنودی خدا را پیروی می‌کند چون کسی است که به خشمی از خدا دچار گردیده و جایگاهش جهنم است و چه بد بازگشتگاهی است. ۱۶۲
[هر یک از] ایشان را نزد خداوند درجاتی است و خدا به آنچه می‌کنند بیناست. ۱۶۳



اعتماد بر او

درس هشتم



أليس الله بكاف عبده. آیا خدا برای بنده‌اش کافی نیست؟!۱

اکنون که با آینده انسان در جهان آخرت آشنا شدیم و دانستیم که سرنوشت ابدی انسان‌ها براساس رفتار آنان در دنیا تعیین می‌شود، لازم است باردیگر با خدای خود «تجدید عهد» کنیم و عزم نماییم تا راه زندگی را محکم‌تر و مطمئن‌تر از گذشته، همان‌گونه که خدا از ما خواسته است، ببیماییم. در این درس، با یکی از عواملی که سبب تقویت اراده و عزم می‌شود آشنا می‌شویم.

۱- سورة زمر، آیه ۳۶

حقیقت توکل بر خدا

توکل بر خدا به معنای اعتماد به خداوند است؛ یعنی انجام وظیفه خود در هر کار و سپردن نتیجه و محصول آن به خداوند. انسان متوکل خداوند را تکیه‌گاه مطمئن خود می‌یابد و در عین عمل به وظایف، آموزش را به او واگذار می‌کند و خود را تحت حمایت خداوند قرار می‌دهد.

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
فَهُوَ حَسْبُهُ
وَأَنْ كَسَّكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
مِنْ نَفْسِهِ فَذَلِكُمْ
إِنْ اللَّهُ بِالْعَمْرِ
خَدَاوند او را بس است،
خداوند امر خویش را به سرانجام می‌رساند.^۱

انسان متوکل می‌داند که در صورت انجام وظیفه، هر نتیجه‌ای که به دست آید، به مصلحت اوست، گرچه خود به آن مصلحت آگاه نباشد؛ زیرا خداوند آینده‌ای را می‌بیند که ما نمی‌بینیم و به مصلحت‌هایی توجه دارد که ما درک نمی‌کنیم. گاهی چیزهایی را به نفع خود می‌پنداریم در حالی که به ضرر ماست یا اموری را به ضرر خود می‌دانیم در حالی که به نفع ماست.

وَ عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ
وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ^۲

در این مواقع است که خدایی که از هر کس به بندگانش مهربان‌تر است، آن چیزی را برای انسان متوکل رقم می‌زند که خیر و صلاح او در آن باشد. امام علی علیه السلام در یکی از دعاها می‌گوید:

«خداوند تو با آنان که به تو بیشتر عشق می‌ورزند، بیش از دیگران انس می‌گیری و برای اصلاح کار آنان که بر تو توکل می‌کنند از خودشان آماده‌تری، اسرار ایشان را می‌دانی و بر اندیشه‌هایشان آگاهی». ایشان در ادامه می‌فرماید:

«اگر تنهایی، آنان را به وحشت اندازد، یاد تو آنان را آرام سازد و اگر مصیبت‌ها بر آنان فرو بارد، به تو پناه آورند و روی به درگاه تو دارند، چون می‌دانند سررشته کارها به دست توست».^۳

۱- سوره طلاق، آیه ۳

۲- سوره بقره، آیه ۲۱۶

۳- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۸

با توجه به آیه زیر بگویید چرا بر غیر خدا نمی توان توکل کرد؟

قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ

«بگو چه می پندارید درباره آنچه جز خدا می خوانید؟ اگر خدا خواهد که به من زبانی رسد، آیا آنان دورکننده گزند او هستند؟ یا اگر رحمتی برای من خواهد، آیا آنان بازدارنده رحمت او هستند؟ بگو خدا برای من کافی است و توکل کنندگان بر او توکل می کنند»^۱.

.....

.....

شرایط توکل حقیقی

۱- توکل کردن فقط به معنای گفتن جمله «خدایا، بر تو توکل می کنم» نیست. بلکه انسان باید در قلب خود بر خدا توکل کند و واقعاً او را تکیه گاه خود ببیند. اگر این گونه باشیم، خداوند کارهای ما را به بهترین وجه چاره خواهد کرد و آن چیزی را که حقیقتاً به نفع ما است پیش خواهد آورد.

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به داود علیه السلام وحی کرد هر بنده ای از بندگانش به جای پناه بردن به دیگری با نیت خالص به من پناه آورد، از کارش چاره جویی می کنم، گرچه همه آسمانها و زمین و هرچه در آنهاست، علیه او برخیزند^۲.

۱- سوره زمر، آیه ۳۸

۲- مشکاة الانوار، علی بن حسن طبرسی، ج ۱، ص ۱۹

۲- توکل در جایی درست است که انسان مسئولیت و وظیفه خود را به خوبی انجام دهد، یعنی فکر و اندیشه خود را به کار گیرد، با دیگران مشورت کند، بهترین راه ممکن را انتخاب نماید و با عزم و اراده محکم برای رسیدن به مقصود تلاش کند. در این صورت است که می‌توان بر خدا توکل کرد. زیرا توکل، جانشین تنبلی و ندانم‌کاری افراد نیست بلکه کمک‌کننده و امیددهنده به کسی است که اهل همت، تعقل و پشتکار است. روزی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مردمی برخورد که اهل کار و فعالیت نبودند. به آنان فرمود:

شما چگونه مردمی هستید؟

گفتند: ما توکل‌کنندگان بر خدا هستیم.

ایشان فرمود: نه، بلکه شما سربار دیگران هستید.^۱

کشت کن پس تکیه بر جبار کن^۲ کر توکل می‌کنی در کار کن

توکل‌کننده‌ای که اهل معرفت باشد، می‌داند که انسان باید در راستای راهیابی به نیازها و خواسته‌هایش، از ابزار و اسباب بهره جوید؛ زیرا این ابزار و اسباب، بنا بر حکمت الهی قرار داده شده و بی‌توجهی به آنها، بی‌توجهی به حکمت و علم الهی است.

فعالیت کلاسی

شخصی دلیل بیمه نکردن ماشین خود را این گونه بیان می‌کند که من به خدا توکل دارم و خداوند خودش مال مرا حفظ خواهد کرد. شما عمل او را تأیید می‌کنید یا خیر؟ چرا؟

تصمیم و توکل

نوجوانی و جوانی، دوران تصمیم‌های بزرگ و سرنوشت‌ساز است. هرچه عمر می‌گذرد و قوای انسان به سستی می‌گراید، توان انسان برای تصمیم‌های بزرگ نیز کاهش می‌یابد. جوان و نوجوان معمولاً شجاعت روحی بالایی دارد و دست و پای وجودش چندان به رشته‌های دنیایی بسته نشده است؛ مانند برخی بزرگسالان نیست که به ثروت یا مقام دل بسته باشد یا در حسادت نسبت به دیگری بسوزد یا در فکر تجملات زندگی باشد. او می‌تواند آرمان‌های بزرگ داشته باشد، آرمان‌هایی که از نوع پروازند، از نوع رفتن و صعود کردن، نه از نوع ماندن و در باتلاق زندگی دنیایی فرو رفتن. از این‌رو، در این دوره نیاز شدیدتری به توکل و اعتماد بر خداوند حس می‌شود.

۱- مستدرک الوسائل، شیخ حرعاملی، ج ۱۱، ص ۲۱۷

۲- منتهی مولوی

فعالیت کلاسی

برخی می‌گویند دورهٔ نوجوانی و جوانی دورهٔ خطر (ریسک) کردن است. چه تفاوتی میان «خطر کردن» و «توکل بر خدا» وجود دارد؟

اندیشه و تحقیق

- ۱- با توجه به آیات، روایات و توضیحات درس، آثار و فواید توکل را ذکر کنید.
- ۲- آیا توکل، سبب تنبلی می‌شود یا تحرک؟ چرا؟
- ۳- شرایط توکل حقیقی کدام‌اند؟

پیشنهاد

- ۱- مولوی در دفتر اول مثنوی در «قصهٔ نخجیران و بیان توکل و ترک جهد» رابطهٔ توکل و تلاش را به خوبی به تصویر می‌کشد و در ضمن آن می‌گوید:
گفت پیغمبر بر آواز بلند با توکل زانوی اشتر بند
این داستان را مطالعه کنید و آن را برای دوستان در کلاس بیان کنید.
- ۲- آیا می‌دانید شیطان بر چه کسانی مسلط نمی‌شود؟ آیهٔ ۹۹ سورهٔ نحل را مطالعه کنید و جواب را بنویسید.

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
توکل	حسین روحانی نژاد	کانون اندیشهٔ جوان	دانش‌آموز



إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
 وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ
 مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ
 فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ
 بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٦٤﴾ وَمِنَ النَّاسِ
 مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ
 وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا
 إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ
 ﴿١٦٥﴾ إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ
 وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ﴿١٦٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا
 كَرَّةٌ فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ
 أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ﴿١٦٧﴾
 يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا
 خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿١٦٨﴾ إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ
 بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٦٩﴾

سورة بقره، آیات ۱۶۴ تا ۱۶۹

به راستی که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در بی‌ی‌یکدیگر آمدن شب و روز و کشتی‌هایی که در دریا روانند [و] موجب سود مردمند و [همچنین] آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده و با آن زمین را پس از مردنش زنده گردانیده و در آن هر گونه جنینده‌ای پراکنده کرده و [نیز در] گردانیدن بادها و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است برای گروهی که می‌اندیشند واقعاً نشانه‌هایی [گویا] وجود دارد. ۱۶۴

و برخی از مردم در کنار خدا همانندهایی [برای او] برمی‌گزینند و آنها را چون دوستی خدا دوست می‌دارند ولی کسانی که ایمان آورده‌اند به خدا محبت بیشتری دارند. [و کاش] کسانی که ستم نموده‌اند هنگامی که عذاب را مشاهده کنند می‌دانستند تمام نیرو [ها] از آن خداست و خدا سخت کیفر است. ۱۶۵

آنگاه که پیشوایان از پیروان بیزاری جویند و عذاب را مشاهده کنند و میانشان پیوندها بریده گردد. ۱۶۶

و پیروان می‌گویند کاش برای ما بازگشتی بود تا همان گونه که [آنان] از ما بیزاری جستند [مانند] از آنان بیزاری می‌جستیم. این گونه خداوند کارهایشان را که بر آنان مایه حسرت‌هاست به ایشان می‌نمایاند و از آتش بیرون آمدنی نیستند. ۱۶۷

ای مردم از آنچه در زمین است حلال پاکیزه را بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است. ۱۶۸

[او] شما را فقط به بدی و زشتی فرمان می‌دهد و [او می‌دارد] تا علیه خدا چیزی را بگویند که بدان آگاه نیستید. ۱۶۹

«بارالها! خوب می دانم هر کس لذت دوستی‌ات را چشیده باشد، غیر تو را اختیار نکند و آن کس که با تو انس گیرد، لحظه‌ای از تو روی گردان نشود، بارالها! ای آرمان دل مشتاقان و ای نهایت آرزوی عاشقان! دوست داشتنت را از خودت خواهانم.»^۱

به راستی دوستی با خدا چه آثاری دارد که پیشوایان دین و پیروان ایشان مشتاق آن بوده‌اند؟ چگونه می‌توان دل را به این آذین آراست؟

■ نقش محبت

محبت و دوستی سرچشمه بسیاری از تصمیم‌ها و کارهای انسان است. فعالیت‌هایی که آدمی در طول زندگی انجام می‌دهد ریشه در دل‌بستگی‌ها و محبت‌های او دارد و همین محبت‌هاست که به زندگی آدمی جهت می‌دهد. به هر میزان که محبت شدیدتر باشد، تأثیر آن نیز در زندگی عمیق‌تر و گسترده‌تر است؛ مثلاً کسی که دوستدار ثروت است، سمت و سوی همه کارهای خود را رسیدن به ثروت قرار می‌دهد. کسی که شیفتهٔ مد است، دل مشغولی شب و روز او دست یافتن به آخرین مدهاست و کسی که محبوب و معشوق خود را دانشمند یا هنرمندی قرار می‌دهد، ظاهر و حتی سبک زندگی خود را شبیه وی می‌سازد.

چقدر می‌ارزیم؟!

عده‌ای از اندیشمندان صاحب نام در علوم انسانی در یکی از کشورهای اروپایی جمع شده بودند تا دربارهٔ موضوع «معیار ارزش واقعی انسان» بحث و تبادل نظر کنند. دلیل انتخاب این بحث این بود که ما برای سنجش ارزش بسیاری از موجودات، معیار خاصی داریم؛ مثلاً معیار ارزش طلا به عیار آن، معیار ارزش درخت میوه به کیفیت محصول آن و معیار ارزش مزرعه، میزان حاصلخیزی آن است؛ در این میان، ارزش انسان را با چه معیاری باید سنجید؟! هر کدام از جامعه‌شناسان در این باره حرف‌هایی زدند و معیارهای خاصی ارائه دادند. وقتی نوبت به من رسید، به جایگاه رفتم و گفتم: اگر می‌خواهید بدانید یک انسان چقدر ارزش دارد، ببینید به چه چیزی علاقه دارد و به چه چیزی عشق می‌ورزد. کسی که عشقش یک آپارتمان است، در واقع ارزشش به مقدار همان آپارتمان است. کسی که عشقش ماشین است، ارزشش به همان میزان است، اما کسی که عشقش خداوند متعال است، ارزشش به اندازهٔ خداست. با تمام شدن حرفم تمامی جامعه‌شناسان حاضر در جلسه برای چند دقیقه بلند شدند و برایم دست زدند. وقتی تشویق آنها تمام شد، گفتم: عزیزان! این کلام من نبود. بلکه از شخصی به نام علی علیه السلام است. ایشان می‌فرماید:

ارزش هر انسانی به اندازهٔ چیزی است که دوست می‌دارد.^۱

وقتی این کلام را گفتم دوباره به نشانهٔ احترام به شخصیت حضرت علی علیه السلام از جا بلند شدند و با تعجب نام ایشان را بر زبان جاری می‌کردند.^۲

تا در طلب گوهر کانی، کانی
تا در هوس لقمهٔ نانی، نانی
این نکتهٔ رمز اگر بدانی، دانی
هر چیز که در جستن آنی، آنی^۳

۱- نهج البلاغه، حکمت ۸۱

۲- خاطره‌ای از علامه محمدتقی جعفری

۳- مولوی، دیوان شمس، رباعیات

پیامبر اکرم ﷺ: هر کس در روز قیامت با محبوب خود محسور می‌شود.^۱
 با توجه به حدیث بالا بگویید چرا در روز قیامت انسان با همان‌هایی که در دنیا آنها را محبوب خود قرار داده است، همراه و هم‌نشین می‌شود و به سرانجام همان‌ها دچار خواهد شد؟

محبت به خدا

اگر انسان دل به سرچشمهٔ کمالات و زیبایی‌ها سپارد، و قلب خود را جایگاه او کند، زندگی‌اش رنگ و بوی دیگری می‌یابد و هر میزان که ایمان انسان به خدا بیشتر شود، محبت وی نیز به خدا بیشتر می‌شود. عشق و محبت الهی افسردگی، ترس و یأس را از بین می‌برد و به انسان نشاط، شجاعت و قدرت می‌بخشد. محبت الهی، تنبل را چالاک و زرنگ، بخیل را بخشنده، کم‌طاقت را صبور می‌کند و سرانجام آدمی را از خودخواهی به ایثار و از خودگذشتگی می‌رساند. عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می‌بخشد و زندگی حقیقی به وی عطا می‌کند. این همه تحول به این دلیل است که قلب انسان جایگاه خداست و جز با خدا آرام و قرار نمی‌یابد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: **قلب انسان حرم خداست؛ در حرم خدا غیر خدا را جا ندهید.**^۲

از همین رو، قرآن کریم یکی از ویژگی‌های مؤمنان را، دوستی و محبت شدید آنان نسبت به خدا می‌داند:

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَادًا و بعضی از مردم همتابانی را به جای خدا می‌گیرند

آنان را دوست می‌دارند مانند دوستی خدا

اما کسانی که ایمان آورده‌اند به خدا محبت بیشتری دارند.^۳

يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ
وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ

۱- اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۱۲۶

۲- بحار الأنوار، مجلسی، ج ۶۷، ص ۲۵

۳- سوره بقره، آیه ۱۶۵

عاشقانه‌ای با خدا

من عشق را آموخته بودم؛ اما به چه چیز عشق ورزیدن را نه؛ به دنیا عشق ورزیدم، به مال و منال عشق ورزیدم، به مدرسه عشق ورزیدم، به دانشگاه عشق ورزیدم. اما همه اینها بعد از مدت کمی جای خود را به عشق حقیقی و اصیل داد؛ یعنی عشق به تو. فهمیدم عشق به تو پایدار است و دیگر عشق‌ها، عشق‌های دروغین است... پس به عشق تو دل بستم.

بعد از چندی که به تو عشق ورزیدم به یکبار به خود آمدم. دیدم که من کوچک‌تر از آنم که عاشق تو شوم و تو بزرگ‌تر از آنی که معشوق من قرار بگیری. فهمیدم در این مدت که فکر می‌کردم عاشق تو هستم اشتباه می‌کردم. این تو بودی که عاشق من بودی و مرا [به سوی خود] می‌کشاندی.

اگر من عاشق تو بودم، باید یکسره به دنبال تو می‌آمدم. ولیکن وقتی توجه می‌کنم می‌بینم گاهی اوقات در دام شیطان افتاده‌ام؛ ولی باز به راه مستقیم آمده‌ام. حال می‌فهمم این تو بودی که عاشق بنده‌ات بودی و هر گاه او صید شیطان می‌شد، تو دام شیطان را پاره کردی. هر شب به انتظار او [بنده‌ات] می‌نشستی تا بلکه یک شب او را ببینی. حال می‌فهمم که تو عاشق صادق بنده‌ات هستی.

بخش‌هایی از دست‌نوشته‌های شهید ناصرالدین باغانی که در ۱۹ سالگی در عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید

آثار محبت به خدا و راه‌های افزایش آن

پیروی از دستورات خداوند، دوستی با دوستان او و بیزاری از دشمنانش بخشی از آثار محبت به خداست. البته بین محبت به خدا و این آثار رابطه‌ای دوسویه است؛ یعنی همان‌طور که محبت خدا موجب بروز این آثار می‌شود، تداوم و استمرار در پیروی از دستورات خداوند و عشق ورزیدن به دوستان و برائت از دشمنانش، موجب تقویت محبت انسان به خدا نیز می‌شود.

۱- پیروی از خداوند: نمی‌شود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد اما از فرمانش سرپیچی کند. این سرپیچی نشانه عدم صداقت در دوستی است.

برخی می‌گویند: اگر قلب انسان با خدا باشد، کافی است و عمل به دستورات او ضرورتی ندارد، آنچه اهمیت دارد، درون و باطن انسان است، نه ظاهر او. اما این توجیه، با کلام خداوند سازگار نیست. خداوند، عمل به دستوراتش را که توسط پیامبر ارسال شده است، شرط اصلی دوستی با خود اعلام می‌کند:

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ
فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ
وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ
وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

بگو اگر خدا را دوست دارید
از من پیروی کنید تا خدا دوستان بدارد
و گناهاتان را ببخشد
و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند :

مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ عَصَاهُ؛ کسی که از فرمان خدا سرپیچی می کند، او را دوست ندارد.^۲
خداوند در خواسته هایش فقط و فقط به مصلحت ما نظر دارد. او خیرخواهانه به ما هشدار می دهد
و ما را به کارهایی که به نفع ماست، راهنمایی می کند. حتی اگر احساس کنیم انجام برخی دستورات
خداوند برای ما دشوار است، باید مطمئن باشیم که این دستور برای رستگاری ما ضروری است.

تفکر در احادیث

اگر ما کسی را دوست داشته باشیم، تلاش می کنیم هر آنچه را او دوست دارد انجام دهیم تا
علاقه خود را به او نشان دهیم و خود را بیشتر به او نزدیک کنیم. با توجه به احادیث زیر بگویید
برای اینکه رابطه دوستی خود را با خدا بیشتر کنیم، چه کارهایی را باید انجام دهیم.

خداوند، بنده گناهکار توبه کننده را دوست دارد.^۳

خداوند، انسان با حیای بردبار با عفتی را که پاکدامنی می ورزد، دوست دارد.^۴

خداوند، رسیدگی به دل سوختگان و درماندگان را دوست دارد.^۵

خداوند، کسی که جوانی اش را در اطاعت او بگذراند، دوست دارد.^۶

خداوند، زیبایی و آراستگی را دوست دارد.^۷

۱- سورة آل عمران، آیه ۳۱

۲- امالی، شیخ صدوق، ص ۳۶۹

۳- اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۴۳۵

۴- اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۱۱۲

۵- من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۵۵

۶- نهج الفصاحة، حدیث ۸۰۰

۷- اصول کافی، کلینی، ج ۶، ص ۴۴۰

۲- دوستی با دوستان خدا: اگر می‌خواهیم محبت خداوند در دلمان خانه کند، باید محبت کسانی را که رنگ و نشانی از او دارند و خداوند محبت و دوستی آنان را به ما توصیه کرده، در دل جای دهیم و هر میزان که این علاقه بیشتر و قوی‌تر باشد، محبت ما نیز به خدا فزون‌تر می‌شود. انبیا و اولیای الهی و مجاهدان راه حق و آنان که در مسیر بندگی خدا حرکت کردند، دوستان خداوند هستند و برترین این دوستان، رسول خدا ﷺ و اهل بیت ایشان  می‌باشند که با تمام وجود به خدا عشق ورزیدند و زندگی خود را در اطاعت کامل خداوند سپری کردند. دوستی با آنان، همان دوستی با خداوند و محبت به آنان در مسیر محبت به خداوند است. البته این دوستی و محبت نیز بایستی همچون محبت به خدا، همراه با عمل و پیروی از آنان باشد.

۳- بیزاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان: عاشق روشنایی، از تاریکی می‌گریزد و آن‌کس که به دوستی با خدا افتخار می‌کند، با هرچه ضد خداست، مقابله می‌نماید. او دوستدار حق و دشمن باطل است. عاشقان خدا پرچمدار مبارزه با ستم و ستمگران بوده‌اند. همه پیامبران، از حضرت نوح  و حضرت ابراهیم  تا پیامبر اسلام ﷺ زندگی خود را در مبارزه با ستم و پلیدی گذراندند و پرچم مبارزه را از نسلی به نسل بعد منتقل کردند. نمی‌شود کسی دوستدار خداوند باشد؛ اما زشتی و ستم را در جامعه ببیند و سکوت اختیار کند.

از این‌رو، «جهاد در راه خدا» در برنامه تمام پیامبران الهی بوده و بیشتر آنان در حال مبارزه با ستمگران به شهادت رسیده‌اند. امروزه نیز مشاهده می‌کنیم که مستکبران و ستمگران برای رسیدن به منافع دنیایی خود، حقوق ملت‌ها را زیر پا می‌گذارند و آنان را از حقوقشان محروم می‌کنند. رنج و محرومیت مردم فلسطین، یمن، سوریه، عراق، بحرین و... نمونه آشکاری از رفتار مستکبران است که جز با مبارزه، برطرف نخواهد شد. در نتیجه، دینداری، با دوستی خدا آغاز می‌شود و برائت و بیزاری از دشمنان خدا را به دنبال می‌آورد. اگر کسی بخواهد قلبش را خانه خدا کند، باید شیطان و امور شیطانی را از آن بیرون کند. جمله «لا اله الا الله» که پایه و اساس بنای اسلام است، مرکب از یک «نه» و یک «آری» است: «نه» به هر چه غیرخدایی است و «آری» به خدای یگانه.^۱

پس دینداری بر دو پایه استوار است: تولی (دوستی با خدا و دوستان او) و تبری (بیزاری از باطل و پیروان او). هرچه دوستی با خدا عمیق‌تر باشد، نفرت از باطل هم عمیق‌تر است. امام خمینی رحمته الله علیه بر مبنای همین تحلیل، به مسلمانان جهان این‌گونه سفارش می‌کند: «باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند».^۲

۱- سیری در نهج البلاغه، شهید مطهری، ص ۲۸۵

۲- پیام امام خمینی رحمته الله علیه به مناسبت حج ۱۴۰۷ ه. ق. (۱۳۶۶ ش)

با بررسی دنیای امروز، بزرگ‌ترین دشمنان خدا و متجاوزان به حقوق انسان‌ها را معرفی کنید و سپس راه‌های مؤثر برای مقابله با آنان را که همهٔ ستم‌دیدگان جهان بتوانند انجام دهند، پیشنهاد دهید.

باسخ سوالات شما

ورود بیگانگان ممنوع!



برخی وقتی به زیبایی دوستی با خدا پی می‌برند، آرزوی راه یافتن محبت او به قلب خود را دارند؛ اما در رسیدن به این خواسته با یک مشکل مواجه می‌شوند و آن اینکه محبت کسانی را به دل راه داده‌اند که خدای مهربان از آن راضی نیست و آن را به صلاح انسان نمی‌داند؛ حال می‌پرسند چگونه می‌توانیم محبت آنها را از دل خارج کنیم؟

برای بیرون راندن این محبت‌ها از دل، توجه به منشأ شکل‌گیری آنها ضروری است. با توجه به روایات، منشأ اصلی گرفتار شدن به این گونه محبت‌ها، غفلت از خدا و یاد اوست. یکی از یاران امام صادق علیه السلام از آن حضرت دربارهٔ عشق‌های باطل پرسید. ایشان فرمود: **دل‌هایی که از یاد خدا خالی شده باشد، خداوند محبت غیر خودش را به این دل‌ها می‌چشاند.**^۱

بنابراین، گام اول برای بیرون کردن محبت غیرخدا، رو آوردن به یاد و ذکر خداست. انجام واجباتی مانند نماز و روزه، حضور در مکان‌های مقدسی همچون مسجد و زیارتگاه‌ها، توجه به خواندن قرآن و نیز دعاهایی همچون دعای کمیل، دعای ابو حمزه ثمالی، دعا‌های صحیفه سجادیه، حضور در مجالس و مراسم دینی مانند اعتکاف، مجالس توسل به اهل بیت و مطالعهٔ زندگانی انسان‌هایی که عشق به خدا را در دل پرورانده‌اند (همچون کتاب‌های زندگی شهدا) به تقویت یاد خدا کمک فراوانی می‌کند.

۱- علل الشرایع، شیخ صدوق، ص ۱۴۰

دومین گام، مبارزه با تخیلات باطل است؛ چرا که یکی از اصلی‌ترین راه‌های زیاد شدن عشق‌های باطل، غرق شدن در تخیلات است. پس هر چیزی که یادآور خاطرات این عشق است، باید از خود دور کرد. هدیه، نامه، پیامک، ایمیل، عکس و... نمونه‌هایی از این دسته‌اند که باید آنها را از بین برد.

سومین گام، افزایش روابط محبت‌آمیز با خانواده است. بسیاری از افرادی که گرفتار عشق‌های کاذب می‌شوند، با اعضای خانواده خود چنین ارتباط محبت‌آمیزی ندارند. در دین اسلام توصیه زیادی به محبت کردن به اعضای خانواده شده است. هر چه ارتباط و محبت ما نسبت به پدر و مادر و یا خواهر و برادر زیاد شود، انسان احساس نیاز کمتری به محبت‌های نامشروع پیدا می‌کند. چهارمین گام، قطع ارتباط با طرف مقابل است. البته این قطع ارتباط اگر همراه با توجه به سه گام قبلی نباشد، تأثیری نخواهد داشت.

پس از انجام این مراحل، انسان احساس می‌کند قلبش بیش از گذشته از عشق به خدا لبریز شده و آرامشی الهی سراسر زندگی او را در بر گرفته است.

تظر بر غیر ما ممکن چو قصد روی ما داری	ره از اغیار خالی کن چو عزم کوی ما داری
بوزان خویش را چون او اگر خود بوی ما داری	من آن شمعم که در مجلس مرا پروانه بیارند
حرامت باد اگر رغبت به غیر سوی ما داری	ز معشوقان هر جایی تو را چون کار بکشاید
که در میدان جانبازان سرت را کوی ما داری	مسلم آن زمان باشد تو را لاف سرافرازی
اگرچه ظاهر خود را به جت و جوی ما داری	درون باطن خود را به نور ما منور کن

- ۱- برخی افراد، مخالف دستورات خداوند مانند نماز نیستند اما با بهانه‌های مختلف، از انجام آن شانه خالی می‌کنند، آیا این افراد می‌توانند ادعا کنند که ما خدا را دوست داریم؟
- ۲- برای تقویت بیزاری از باطل و بی‌تفاوت نبودن در مقابل باطل صفتان چه می‌توان کرد؟
- ۳- چگونه می‌توان دریافت که در دوستی با خدا و دشمنی با بدی‌ها صادق هستیم؟
- ۴- فردی می‌گوید: «اساس دین بر محبت است؛ بنابراین دل مسلمانان نباید جایگاه کینه و نفرت از کسی باشد»؛ شما با او موافقید یا خیر؟ چرا؟

- ۱- در زندگی پیامبران و امامان علیهم‌السلام و مجاهدان راه خدا تحقیق کنید و نمونه‌هایی از اشتیاق آنها به حق و مبارزه‌شان با زشتی و باطل را نشان دهید.
- ۲- امام خمینی قده‌سبحانه که از پیروان راستین پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود، زندگی خود را در مبارزه با ستم و باطل گذراند. آیا می‌توانید نمونه‌هایی از این مبارزه‌ها را بیان کنید؟



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ
عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۸۳﴾ أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ ۚ
فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ
وَ عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ ۚ
فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ ۚ وَأَن تَصُومُوا
خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۱۸۴﴾ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي
أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى
وَالْفُرْقَانِ ۚ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ۚ
وَمَن كَانَ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۚ
يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ
وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ ۚ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَىٰكُمْ
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۱۸۵﴾ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي
فَأِنِّي قَرِيبٌ ۚ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ۚ
فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿۱۸۶﴾

سورة بقره، آیات ۱۸۳ تا ۱۸۶

ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما واجب شده است همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] واجب شده بود به امید اینکه پرهیزگاری کنید. ۱۸۳

[روزه در] روزهای معدودی [بر شما مقرر شده است] [ولی] هر کس از شما بیمار یا در سفر باشد [به همان شماره] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]. و بر کسانی که [روزه] طاقت فرساست، کفاره‌ای است که خوراک دادن به بینوایی است؛ و هر کس به میل خود بیشتر نیکی کند، پس آن برای او بهتر است و روزه گرفتن برای شما بهتر است، اگر بدانید. ۱۸۴

ماه رمضان [همان ماه] است که در آن قرآن نازل شده است، [کتابی] که مردم را راهبر و [در بردارنده] نشانه‌های آشکار هدایت و [معیار] تشخیص حق از باطل است. پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد و کسی که بیمار یا در سفر است [باید به شماره آن] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد] خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد. و باید آن روزهای مشخص [ماه رمضان] را کامل کنید و باید خدا را به پاس آنکه هدایتتان کرده است به بزرگی بستایید و به امید اینکه شکرگزاری کنید. ۱۸۵

و هرگاه بندگان من از تو درباره من بیرسند [بگو] من نزدیکم و دعای کننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می‌کنم؛ پس [آنان نیز] باید دعوت مرا اجابت کنند و به من ایمان آورند به امید اینکه راه یابند. ۱۸۶



یاری از نماز و روزه

درس اول

خدای مهربان برای زندگی ما انسان‌ها برنامه‌ای تنظیم کرده که دربردارنده احکام و وظایف گوناگونی در ارتباط با خدا، خود، خانواده، جامعه و خلقت است. با عمل به این برنامه و احکام و دستورات آن، انسان می‌تواند در مسیر نزدیک شدن به خدا گام بردارد و به رستگاری در دنیا و آخرت برسد. اگرچه تمامی این احکام و دستورات در جهت مصلحت ما است؛ اما انسان دوست دارد حکمت و علت احکام الهی را بداند و با معرفت بیشتر دستورات الهی را انجام دهد. از این رو، خدای متعال برخی از فایده‌های مهم‌ترین احکام خود را از طریق آیات قرآن کریم و سخنان معصومان به اطلاع ما رسانده است. در این درس با فایده دو عمل مهم در زندگی هر فرد مسلمان، یعنی نماز و روزه آشنا می‌شویم و پاسخ سؤالات زیر را می‌یابیم:

- ۱- چرا در هر روز، پنج بار به نماز می‌ایستیم؟
- ۲- حکمت روزه چیست؟ چرا یک فرد مسلمان باید روزه بگیرد؟
- ۳- احکام دیگر روزه کدام‌اند؟

خداوند در آیات مختلفی، فایده‌های نماز و روزه را بیان فرموده است. دو فایده نماز عبارت‌اند از :
۱- یاد خدا، ۲- دوری از گناه.

مهم‌ترین فایده روزه نیز عبارت است از : تقوا.

در این درس به فایده دوم نماز که با فایده روزه؛ یعنی تقوا ارتباط دارد، می‌پردازیم و این دو را با هم بررسی می‌کنیم.

راستی، تقوا چیست؟ چرا قرآن کریم همواره مردم را دعوت به تقوا می‌کند؟

■ تقوا

برای اینکه حقیقت تقوا را دریابیم، ابتدا مثالی را که امیر مؤمنان علی علیه السلام بیان فرموده است، ذکر می‌کنیم. ایشان می‌فرماید :

«مَثَلُ انْصَانِ هَايَ بِي تَقْوَا مَثَلُ سَوَارِكَارَانِي اَسْتُ كِه سَوَارِ بَرِ اسْبِ هَايَ چَمُوشِ وَ سِرْكَشِي شُدِه اَنْدُ كِه لَجَامُ رَا پَارِه كُودِه وَ اَخْتِيَارَ رَا اَز دَسْتِ سَوَارِكَارِ گِرْفْتِه اَنْدُ؛ بَه بَالَا وَ پَايِيْن مِي پِرِنْدِ وَ عَاقِبْتِ، سَوَارِكَارِ رَا دَر آتَشِ مِي اَفْكَنَنْدِ. اَمَا مَثَلُ آدَمِ هَايَ بَاتَقْوَا، مَثَلُ سَوَارِكَارَانِي اَسْتُ كِه بَرِ اسْبِ هَايَ رَامِ سَوَارِ شُدِه اَنْدُ وَ لَجَامُ اسْبِ رَا دَر اَخْتِيَارِ دَارَنْدِ وَ رَا هِ مِي پِيْمَايَنْدِ تَا اَيْنَكِه وَارِدِ بَهْسْتِ شَوَنْد.»^۱

تفاوت اصلی میان این دو سوارکار که یکی به هلاکت می‌رسد و دیگری به رستگاری، در سرکشی و لجام‌گسیختگی اسب یکی از آنها، و رهوار و مطیع بودن اسب دیگری است.

این لجام‌گسیختگی و سرکشی در انسان بی‌تقوا و رهواری و مطیع بودن در انسان با تقوا به چه معناست؟ «تقوا» به معنای «حفاظت» و «نگهداری» است. انسان با تقوا خودنگهدار است و خود را از گناه حفاظت می‌کند؛ یعنی بر خودش مسلط است و زمام و لجام نفس خود را در اختیار دارد و نمی‌گذارد نفس با سرکشی او را در دره‌های هولناک گناه بیندازد. انسان با تقوا، می‌کوشد روزبه‌روز بر توانمندی خود بیفزاید تا اگر در شرایط گناه و معصیت قرار گرفت، آن قوت و نیرو او را حفظ کند و از آلودگی نگه دارد. اکنون این سؤال پیش می‌آید که چگونه تقوا را در خود به وجود آوریم که بتوانیم در مواقع خطر بر خود مسلط باشیم و از گناه دوری کنیم؟

قرآن کریم راه‌های متعددی برای کسب تقوا به ما نشان داده که در این درس به دو مورد مهم از آنها، یعنی «نماز» و «روزه» اشاره می‌کنیم.

۱- لجام : افسار

۲- نهج البلاغه، خطبة ۱۶

نماز و بازدارندگی از گناه

انسانی که پنج بار در طول روز نماز به پا می‌دارد، یاد خدا را در دل خود زنده می‌کند و حضور او را در جای جای زندگی احساس می‌کند. توجه به حضور خدا در زندگی و نظارت او بر اعمال، موجب می‌شود تا انسان دست به هر کاری نزند و از گناهان دوری کند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید :

... وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ
إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ
وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ
وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

و نماز را برپا دار،
که نماز از کار زشت و ناپسند نهی می‌کند
و قطعاً یاد خدا بالاتر است،
و خدا می‌داند چه می‌کنید.^۱

با این حال، برخی می‌گویند: «ما نماز می‌خوانیم اما تأثیر آن را کمتر در خود مشاهده می‌کنیم و معمولاً دست از رفتارهای قبلی بر نمی‌داریم. پس چگونه نماز بازدارنده انسان از زشتی‌ها و منکرات است؟»

شایسته است دقت کنیم که تأثیر نماز به تداوم و به میزان دقت و توجه ما بستگی دارد. چنان‌که اگر گفته شود هر کس درس بخواند، موفق می‌شود، طبیعتاً موفقیت همه یکسان نیست و به نحوه و کیفیت درس خواندن آنها بستگی دارد. بنابراین اگر نمازهای روزانه خود را ترک نکنیم و دقت و توجه خود را در



نماز افزایش دهیم، از آن تأثیر خواهیم پذیرفت. نمی‌توان انتظار داشت خواندن چند رکعت نماز شتاب‌زده و بدون رعایت آداب، تأثیر چندانی در ما داشته باشد. اگر تلاش کنیم روزبه‌روز نماز را با کیفیت بهتر و رعایت آداب آن انجام دهیم، به زودی تأثیر آن را خواهیم دید.

هر کدام از ما می‌توانیم این مورد را در میان اطرافیان و بستگان مشاهده کنیم و دریابیم افرادی که به نمازشان توجه بیشتری دارند، در مقایسه با کسانی که نماز نمی‌خوانند، یا نماز خود را شتاب‌زده و بدون رعایت آداب می‌خوانند، از منکرات بیشتری دوری می‌کنند.

اگر به زندانیان و خلاف‌کاران جامعه نگاه کنیم، می‌بینیم که چنین مجرمانی کمتر از افراد نمازخوان هستند. همین موضوع نشان می‌دهد که نماز تأثیر خود را گذاشته و هر قدر با توجه و دقت بیشتر انجام شود، تأثیر آن بیشتر هم خواهد شد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر کس می‌خواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه، باید ببیند که نماز،

او را از گناه و زشتی باز داشته است یا نه. به هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه و منکر شود، این نماز قبول شده است»^۱.

نتیجه اینکه: اگر نماز، ما را از گناه و زشتی باز ندارد، معلوم می‌شود که عیب و نقصی در نماز خواندن ما هست. باید جست‌وجو کنیم تا آن عیب را بیابیم و برطرف کنیم. اگر نماز را کوچک نشماریم...



اگر نماز را کوچک نشماریم و نسبت به آنچه در نماز می‌گوییم و انجام می‌دهیم درک صحیح داشته باشیم، نه تنها از گناهان که حتی از برخی مکروهات هم به تدریج دور خواهیم شد. از این رو: اگر در انجام به موقع نماز بکوشیم، بی‌نظمی را از زندگی خود دور خواهیم کرد.

اگر در پنج نوبت با لباس و بدن پاکیزه به نماز بایستیم، آلودگی‌های ظاهری ما کمتر خواهد شد. اگر شرط غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار را رعایت کنیم، کمتر به کسب درآمد از راه حرام متمایل خواهیم شد.

اگر هنگام گفتن تکبیر به بزرگی خداوند بر همه چیز توجه داشته باشیم، قدرت‌های دیگر در نظرمان کوچک خواهند شد و به آنان توجه نخواهیم کرد.

اگر در رکوع و سجود، عظمت خدا را در نظر داشته باشیم، در مقابل مستکبران خضوع و خشوع نخواهیم کرد.

اگر عبارت «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» را صادقانه از خداوند بخواهیم، به راه‌های انحرافی دل نخواهیم بست.

اگر عبارت «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» را با توجه بگوییم، خود را در زمره کسانی که خدا بر آنها خشم گرفته یا راه را گم کرده‌اند، قرار نخواهیم داد.

بنابراین؛ با تکرار درست آنچه در نماز می‌گوییم و انجام می‌دهیم به تدریج چنان تسلطی بر خود می‌یابیم که می‌توانیم در برابر منکرات بایستیم و از انجامشان خودداری کنیم.

۱- بحار الأنوار، مجلسی، ج ۸۲، ص ۱۹۸

فهم و درک درست اعمال زیر، انسان را در برابر چه گناهایی حفظ خواهد کرد؟

منکرات	عبارات و اعمال نماز
..... ۱-	۱- خواندن سوره توحید
..... ۲-	۲- درود بر پیامبر در تشهد
..... ۳-	۳- دعای قنوت
..... ۴-	۴- حضور در نماز جماعت
..... ۵-	۵- گفتن عبارت «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»
..... ۶-	۶- گفتن عبارت «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»

تکمیل احکام

در سال‌های قبل آموختیم که برای انجام نماز، لازم است بدن و لباس ما پاک باشد و در صورتی که به یکی از نجاسات آلوده باشد باید قبل از نماز پاک گردد.

بنابراین، لازم است هر مسلمانی نجاسات را بشناسد و راه پاک کردن اشیای نجس را بداند.

توجه: همه چیز پاک است، مگر ۱۱ چیز و آنچه در اثر برخورد با آنها نجس می‌شود.

برخی از نجاسات عبارت‌اند از:

- ۱- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.^۱
- ۲ و ۳- ادرار و مدفوع انسان و حیوان‌های حرام‌گوشتی که خون جهنده دارند.
- ۴- مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.
- ۵ و ۶- سگ و خوک، زنده و مرده آنها نجس است.
- ۷- کافر (یعنی کسی که به خدای یگانه اعتقاد ندارد).
- ۸- شراب و هر مایع مستی‌آور، نجس است.^۲

۱- حیوانی که اگر رگ آن را ببرند، خون آن جستن کند، خون جهنده دارد.

۲- برای آشنایی با سایر نجاسات به رساله مرجع تقلید خود مراجعه کنید.

همچنین لازم است بدانیم: نوشیدن شراب، چه کم و چه زیاد حرام است و در زمره بزرگ‌ترین گناهان شمرده شده است. خداوند در قرآن درباره این عمل ناروا می‌فرماید:

ای مردمی که ایمان آورده‌اید؛ به راستی شراب و قمار و بت پرستی و تیرک‌های بخت‌آزمایی، پلید و از کارهای شیطانی است. پس از آنها دوری کنید تا رستگار شوید. شیطان می‌خواهد با شراب و قمار بین شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا دور سازد و از نماز باز دارد.^۱

پاسخ سوالات شما

مگر خدا به نماز ما نیاز دارد؟ پس برای چه باید نماز بخوانیم؟

اگر همه مردم روبه خورشید خانه بسازند، چیزی به خورشید اضافه نمی‌شود و اگر همه مردم پشت به خورشید خانه بسازند، چیزی از خورشید کم نمی‌شود. خورشید به مردم نیازی ندارد که رو به سوی او کنند. این انسان‌ها هستند که برای دریافت نور، سعی می‌کنند خانه‌های خود را روبه خورشید بسازند. خدا هم به نماز ما هیچ نیازی ندارد؛ بلکه این ما هستیم که به نماز محتاجیم. در حقیقت دستور خدا برای برپاداشتن نماز تنها به نفع خود ماست و خداوند با امر به نماز خواندن خواهان رشد بندگان خود است. اما چرا ما به نماز محتاجیم؟

کمتر کسی است که در اثنای کار روزانه، لباسش، دست و صورتش، سر و پایش، و گاهی همه پیکرش، کثیف نشود و به نظیف روزانه آنها نیازمند نگردد.

روح ما نیز در میدان زندگی روزانه به همین اندازه یا بیشتر در معرض آلودگی هاست؛ آلودگی به شهوت‌ها، هوس‌ها، خودخواهی‌ها و چشم و هم‌چشمی‌ها، حسد و کینه و انتقام و صدها آلودگی دیگر. این آلودگی‌ها روح را تیره می‌کند و ما را از مسیر قرب الهی دور می‌سازد و به دام شیطان و وسوسه‌های شیطانی می‌افکند.

بنابراین، باید همان‌طور که لباس و تن خود را می‌شوئیم و پاکیزه می‌کنیم، دل و جان خود را هم شست‌وشو دهیم و پاکیزه کنیم.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: رسول خدا نماز را به چشمه آبی تشبیه کرده است که در برابر خانه کسی جریان داشته باشد و او هر شبانه روز، پنج مرتبه خود را در آن شست‌وشو دهد؛ پس هرگز آلودگی بر بدن او باقی نمی‌ماند.

نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹

اعمالی که تأثیر نماز را از بین می‌برند

توجه کنیم که برخی کارها اثر نماز را از بین می‌برند. باید بکوشیم آن کارها را از زندگی خود بیرون

کنیم؛ مانند:

۱- ناراحت کردن پدر و مادر

امام صادق علیه السلام فرمود: «فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند - هرچند والدین در

حق او کوتاهی و ظلم کرده باشند - نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست».^۱

۲- غیبت کردن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود: «هرکس غیبت مسلمانی را کند، تا چهل روز نماز و روزه اش قبول

نمی‌شود؛ مگر اینکه فرد غیبت شده، او را ببخشد».^{۲ و ۳}

بیشتر بدانیم

دو رکعت عشق!

ایام عملیات قدس بود که در اورژانس، رزمنده‌ای را آوردند که هر دو دست او قطع شده بود. وقتی او را برای اتاق عمل آماده می‌کردند، ایشان را روی برانکارد گذاشتند تا به اتاق عمل ببرند. مسئول تعاون آمد تا از این رزمنده سؤالاتی بپرسد. ولی چشمانش را بسته بود و جواب نمی‌داد. همگی فکر کردیم شاید شهید شده باشد. به دنبال آن بودیم که مقدمات کار را جهت آزمایش ضربان قلب و احتمالاً انتقال وی به سردخانه آماده کنیم. ناگهان دیدیم که چشمانش را باز کرد و با متانت خاصی گفت: برادر! ببخشید که جواب شما را ندادم؛ چون فکر می‌کردم اگر به اتاق عمل بروم شاید وقت زیادی طول بکشد؛ نمازم قضا می‌شود. آن موقع که شما سؤال کردید مشغول خواندن نماز بودم.

۱- اصول کافی، کلینی، ج ۴، ص ۵۰

۲- جامع السعادات، ملامهدی نراقی، ج ۲، ص ۲۳۴

۳- در انجام عباداتی مانند نماز، دو دسته شرط وجود دارد: یکی شرط صحت و دیگری شرط کمال؛ مثلاً اگر کسی واجبات نماز را درست انجام دهد، نمازش صحیح است؛ یعنی شرایط صحت را دارد و لازم نیست آن را دوباره بخواند. اما برای اینکه این نماز در او اثر داشته باشد و او را از گناهان باز دارد باید شرایط دیگری را هم رعایت کند که به آن شرط کمال می‌گویند، مثل اینکه با دقت و توجه نماز بخواند. مقصود از قبول شدن یا قبول نشدن در این احادیث، همان داشتن یا نداشتن شرط کمال است. بنابراین کسی نمی‌تواند به بهانه اینکه غیبت کسی را کرده است، نمازش را تا مدتی نخواند.

■ روزه و تقویت تقوا

میزان موفقیت انسان در رسیدن به هدف‌های بزرگ، به میزان تسلط او بر خویش، خودنگهداری و «تقوا» بستگی دارد و هر قدر هدف بزرگ‌تر باشد، تقوای بیشتری می‌طلبد.

روانشناسان، کارهایی را برای تقویت اراده و تسلط بر خود پیشنهاد می‌کنند تا افراد بتوانند به موفقیت در برنامه‌هایی مانند درس، ورزش، کسب و کار و مانند آن برسند. خداوند، انسان را به عملی راهنمایی می‌کند که اگر آن را به درستی انجام دهد، چنان تسلطی بر خود پیدا می‌کند که می‌تواند موانع درونی را کنار بزند و گام‌های موفقیت به سوی برترین هدف‌های زندگی را به خوبی بردارد. این عمل، «روزه» است. روزه، نمونه کامل تمرین صبر و پایداری در برابر خواهش‌های دل است.

کسی که یک ماه گرسنگی روزانه را تحمل کند و در عین حال که میل به آب و غذا دارد، به سوی آن نرود؛ کسی که یک ماه چشم خود را از گناه حفظ کند؛ زبان خود را از دروغ و غیبت نگه دارد؛ گوش خود را از شنیدن بدی‌ها بازدارد؛ خوش رفتاری با مردم را تمرین کند؛ و از حجاب و پوشش خود به خوبی مراقبت کند؛ بکوشد به دیگران ستم نکند و مردم را از خود نرنجاند و مواظب باشد غذای سحری و افطاری او از درآمد پاک و حلال باشد، چنین کسی، پس از یک ماه، به تسلطی بر خود می‌رسد که قبل از ماه رمضان آن تسلط را نداشته است و اگر هر سال یک ماه این عمل را تکرار کند، سال به سال باتقواتر می‌شود. چنین فردی کم‌کم به جایی می‌رسد که احساس می‌کند که هر کاری را که خداوند دستور داده است، می‌تواند به آسانی انجام دهد و احساس سختی نمی‌کند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ

كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ

لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید،

روزه بر شما مقرر شده است

همان‌گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند، مقرر شده بود

باشد که تقوا پیشه کنید.^۱

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «چه بسا روزه‌داری که جز گرسنگی و تشنگی چیزی نصیب او نمی‌شود».^۱

مقصود پیامبر گرامی از این سخن چیست؟

احکام روزه

۱- نه چیز روزه را باطل می‌کند که برخی از آنها عبارت‌اند از: خوردن و آشامیدن، دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر ﷺ، رساندن غبار غلیظ به حلق، فرو بردن تمام سر در آب، استمناء، باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح.^۲

فعالیت کلاسی

تکمیل

با مراجعه به رساله توضیح المسائل، عبارت‌های زیر را تکمیل کنید.

۱	اگر روزه‌دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش
۲	اگر روزه‌دار، چیزی را که لای دندان‌ش مانده روزه‌اش باطل می‌شود.
۳	روزه‌دار غبار غلیظ و دود سیگار و تنباکو و مانند آنها را به حلقش برساند.
۴	استفراغ روزه را باطل نمی‌کند، مگر اینکه

۱- امالی، شیخ طوسی، ص ۶۶۱

۲- برای آشنایی با سایر مبطلات روزه، به رساله مرجع تقلید خود مراجعه کنید.

۲- کسی که غسل بر او واجب است، اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه‌اش تیمم است، عمداً تیمم نکند، نمی‌تواند روزه بگیرد. البته اگر سهل‌انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، می‌تواند با تیمم روزه بگیرد و روزه‌اش صحیح است؛ اما در مورد غسل نکردن، معصیت کرده است.

۳- اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد، باید هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز یک مُد (تقریباً ۷۵ گرم) گندم و جو و مانند آنها به فقیر بدهد.

۴- اگر کسی روزه ماه رمضان را عمداً نگیرد، باید هم قضای آن را به‌جا آورد و هم «کفاره» بدهد؛ یعنی برای هر روز، دو ماه روزه بگیرد (که یک ماه آن باید پشت سرهم باشد) یا به شصت فقیر طعام بدهد (به هر فقیر یک مُد).

۵- اگر کسی به چیز حرامی روزه خود را باطل کند؛ مثلاً دروغی را به خدا نسبت دهد، کفاره جمع بر او واجب می‌شود. یعنی باید هر دو کفاره یاد شده را انجام بدهد. البته اگر هر دو برایش ممکن نباشد، می‌تواند هر کدام را که ممکن است، انجام دهد.

وظیفه شخص مسافر: کسی که سفر می‌رود، اگر شرط‌های زیر را داشته باشد، باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد:

الف) رفتن او بیشتر از ۴ فرسخ شرعی (حدود ۲۲/۵ کیلومتر) و مجموعه رفت و برگشت او بیشتر از ۸ فرسخ باشد.

ب) بخواد کمتر از ده روز در جایی که سفر کرده، بماند. پس کسی که می‌خواهد ده روز و بیشتر در محلی که سفر کرده است، بماند، باید نمازش را کامل بخواند و روزه‌اش را هم بگیرد.

ج) برای انجام کار حرام سفر نکرده باشد؛ مثلاً اگر به قصد ستم به مظلوم یا همکاری با یک ظالم در ظلم او سفر کند، باید روزه‌اش را بگیرد. اگر فرزند با نهی پدر و مادر به سفری برود که آن سفر بر او واجب نبوده است، باید نماز را تمام بخواند و روزه‌اش را بگیرد.

اندیشه و تحقیق

در بارهٔ مسائل زیر به توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید و پاسخ آن را به دست آورید.

۱	اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش یا به جایی که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند، برسد، در چه صورتی باید روزه بگیرد و در چه صورتی نباید روزه بگیرد؟
۲	اگر مسافری که صبح حرکت کرده است، بعد از ظهر به وطن یا به جایی که می‌خواهد ده روز بماند برسد، وظیفه‌اش چیست؟
۳	اگر کسی که روزه است، بعد از ظهر مسافرت کند، وظیفه‌اش نسبت به روزهٔ آن روز چیست؟
۴	اگر کسی که روزه گرفته، پیش از ظهر مسافرت کند و بخواهد به بیش از چهار فرسخ برود، وظیفه‌اش چیست؟

پیشنهاد

در بارهٔ آثار و فواید بهداشتی روزه تحقیق کنید و نتیجهٔ آن را در کلاس گزارش نمایید.
 برای این تحقیق می‌توانید به کتاب‌های زیر مراجعه کنید:

- ۱- اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر پاک‌نژاد
- ۲- اهمیت پزشکی روزه در سلامت انسان، حبیب‌الله جعفری
- ۳- اهمیت روزه از نظر علم روز، احمد صبور اردوبادی

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
آداب الصلوة	امام خمینی <small>قده</small>	مؤسسه نشر آثار امام خمینی <small>قده</small>	معلم
راز نماز	محسن قرائتی	مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن	دانش‌آموز
فلسفهٔ روزه برای جوانان	اسدالله محمدی نیا	سبیط اکبر	دانش‌آموز



يَبْنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ
وَرِيشًا ۖ وَ لِبَاسِ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ۗ ذَٰلِكَ مِنْ
آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿٦٦﴾ يَبْنِي آدَمَ
لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ
يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوَاتِهِمَا ۖ إِنَّهُ
يَرِيكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِمَّنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ ۗ
إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيْطَانَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٦٧﴾
وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ
أَمَرْنَا بِهَا ۗ قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ ۗ اتَّقولُونَ
عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٨﴾ قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ ۗ وَأَقِيمُوا
وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ ۗ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ
لَهُ الدِّينَ ۗ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ﴿٦٩﴾ فَرِيقًا هَدَىٰ
وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ ۗ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ
أَوْلِيَاءَ مِمَّنْ دُونِ اللَّهِ ۗ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿٧٠﴾

سوره اعراف، آیات ۲۶ تا ۳۰

ای فرزندان آدم در حقیقت ما برای شما لباسی فرستادیم که شرمگاه‌های شما را می‌پوشاند و مایه زینت است [ولی] لباس پرهیزگاری بهتر است؛ این از نشانه‌های خداست، باشد که آنان متذکر شوند. ۲۶

ای فرزندان آدم، مبادا شیطان شما را فریب دهد؛ چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند و لباسشان را از ایشان برکند تا شرمگاهشان را بر آنان نمایان کند. در حقیقت او و کسانش شما را از آنجا که آنها را نمی‌بینید، می‌بینند. ما شیاطین را سرپرست کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند. ۲۷

و چون کار زشتی کنند می‌گویند پدران خود را بر آن یافتیم و خدا ما را بدان فرمان داده است. بگو قطعاً خدا به کار زشت فرمان نمی‌دهد. آیا علیه خداوند چیزی می‌گویید که علم بدان ندارید؟ ۲۸

بگو پروردگرم به دادگری فرمان داده است؛ و [اینکه] رویتان را در هر مسجدی [به هنگام عبادت، به سوی قبله] نمایید، و او را بخوانید، در حالی که دین [خود] را برای او خالص گردانیده‌اید؛ [و بدانید] همان گونه که [آفرینش] شما را آغاز کرد، [به سوی او] باز می‌گردید. ۲۹

[در حالی که] گروهی را هدایت نموده و گروهی گمراهی بر آنان حتمی شده است، زیرا آنان شیاطین را به جای خدا سرپرست [خود] قرار داده‌اند و می‌بندارند که راه یافتگان اند. ۳۰



فضیلت آراستگی

درس سیزدهم

هرگاه دنبال آرامشی فراگیرم، در طبیعت خداوند گام می‌گذارم و دل به نغمه‌های خوش‌آهنگ آن می‌سپارم تا پایانی باشد بر ناخوشایندی و خستگی‌های زندگی روزمره و امیدی برای آغازی دوباره و پرتلاش و هیجان‌انگیز.

در طبیعت، به هرچه می‌نگرم، زندگی و زیبایی‌هایش جلوه‌گر است؛ بوته‌های سرسبز آن طراوت و شادابی را فریاد می‌زنند و گل‌های رنگارنگش عشق و زیبایی را. کوه‌های استواری را به تصویر می‌کشند و رودها و چشمه‌هایش بویایی و حرکت را ...

با خود می‌اندیشم آیا من هم می‌توانم؟

آیا می‌توانم در اجتماع چون برگ‌های بهاری پرتراوت، چون گل زیبا، چون کوه استوار و مانند رود پویا باشم؟

آیا می‌توانم با حضورم آرامش و امنیت را برای دیگران به ارمغان آورم؟ و هر جا که باشم منشأ خیر و برکت باشم.^۱

سرانجام با خود می‌اندیشم چگونه حضوری در اجتماع می‌تواند این ثمرات را به دنبال آورد؟

۱- وَ جَعَلْنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ... سورة مريم، آیه ۳۱

■ آراستگی، سیره پیشوایان دین

آراستگی به معنای «بهبتر کردن وضع ظاهری و باطنی و زیبا نمودن این دو» است. بنابراین، دو نوع آراستگی داریم. آراستگی باطنی که نتیجه برخورداری روح انسان از صفات زیبایی همچون ادب، حُسن خلق، سخاوت، مهربانی و... است و آراستگی ظاهری که نتیجه مرتب بودن وضع ظاهر و توجه به نظافت و زیبایی آن است.

انسان به طور طبیعی به آراستگی علاقه دارد و می‌کوشد تا هم درون خود را آراسته کند و هم با ظاهری آراسته در جامعه حضور یابد. دیگران نیز کار او را تحسین می‌کنند و هم‌نشینی با او را دوست دارند و از بودن با او لذت می‌برند.

پیشوایان ما هم در آراستگی باطنی خود تلاش می‌کردند یعنی آراسته به زیبایی‌های اخلاقی بودند و هم به آراستگی ظاهری خود توجه داشتند و مؤمنان را نیز به رعایت آن دعوت می‌کردند و آراستگی را از اخلاق مؤمنان می‌دانستند.^۱

به طور مثال، هنگامی که کسی در خانه پیامبر را می‌زد و قصد ملاقات با ایشان را داشت، آن حضرت ابتدا به آینه نگاه می‌کرد و موهای خود را شانه می‌زد و لباس خود را مرتب‌تر می‌کرد؛ و می‌فرمود:

خدای تعالی دوست دارد وقتی بنده‌اش به سوی دوستان خود می‌رود، آماده و آراسته باشد.^۲

پیامبر همواره خود را معطر می‌کرد و سپس در جمع حاضر می‌شد یا به نماز می‌ایستاد. روزی یکی از مدعیان زهد و پرهیز از دنیا، امام صادق علیه السلام را دید که لباس زیبایی پوشیده است. وی به امام گفت: جدّ شما این‌گونه لباس‌ها را نمی‌پوشید.

امام علیه السلام فرمود: در آن زمان مردم در سختی بودند، اما امروز ما در شرایط بهتری هستیم و عموم مردم توانایی پوشیدن چنین لباسی را دارند.^۳

همچنین ایشان می‌فرمود: خداوند آراستگی و زیبایی را دوست دارد و از نپرداختن به خود و خود را ژولیده نشان دادن، بدش می‌آید.^۴

و نیز می‌فرمود:

دو رکعت نماز که با بوی خوش گزارده شود، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است.^۵

۱- غررالحکم و دررالکلم، تمیمی آمدی، ج ۱، ص ۳۰۷

۲- وسائل الشیعه، شیخ حرعاملی، ج ۱، ص ۲۷۸

۳- اصول کافی، کلینی، ج ۶، ص ۴۴۲

۴- امالی، طوسی، ج ۱، ص ۲۷۵

۵- نواب الاعمال، شیخ صدوق، ص ۳۶۲

در کنار این توصیه‌ها و سفارش‌هایی که به عموم مردان و زنان مسلمان می‌شد، پیشوایان دین به هریک از گروه مردان و زنان نیز سفارش‌های جداگانه‌ای می‌کردند؛ به عنوان نمونه پیامبر ﷺ به مردان می‌فرمود: سبیل و موهای بینی خود را کوتاه کنید و به خودتان برسید؛ زیرا این کار بر زیبایی شما می‌افزاید.^۱ پیامبر با وجود آنکه مردان را به کوتاه کردن ناخن سفارش می‌کرد اما به زنان توصیه می‌کرد ناخن‌های خود را مقداری بلند بگذارند چون برای آنان زیباتر است.^۲

این شیوه رسول خدا ﷺ و پیشوایان دیگر ما سبب شد که مسلمانان در اندک مدتی به آراسته‌ترین و پاکیزه‌ترین ملت‌ها تبدیل شوند و الگو و سرمشق ملت‌های دیگر قرار گیرند. آراستگی، اختصاص به زمان حضور در اجتماعات و معاشرت‌ها ندارد؛ بلکه شامل زمان حضور در خانواده، و از آن مهم‌تر، زمان عبادت نیز می‌شود. استفاده از عطر، شانه زدن موها، پوشیدن لباس روشن و تمیز و پاک بودن تمامی بدن، از توصیه‌های مهم آنان هنگام عبادت است. تکرار دائمی نماز در شبانه‌روز، این آراستگی و پاکی را در طول روز حفظ می‌کند و زندگی را پاک و باصفا می‌سازد.

■ مقبولیت

یکی از نیازهای انسان، نیاز به مقبولیت در جمع خانواده، همسالان و جامعه است. ما دوست داریم دیگران ما را فرد مفید و شایسته‌ای بدانند و تحسین کنند. این نیاز، در دوره جوانی و نوجوانی نمود بیشتری دارد و سبب می‌شود که نوجوان و جوان بیشتر به خود بپردازد و توانایی‌ها و استعداد‌های خود را کشف و شکوفا کند و در معرض دید دیگران قرار دهد. جوانی که با نشان دادن استعداد خود در یک رشته ورزشی یا خلق اثر هنری یا کار مؤثر در کارگاه صنعتی، تحسین دیگران را برانگیزد، از این قبیل است. به غیر از این افراد، هرکس در جامعه تلاش می‌کند در هر جایگاهی که قرار دارد، برای خود مقبولیت کسب کند.

البته اندک افرادی نیز وجود دارند که به این نیاز طبیعی، پاسخ‌های درستی نمی‌دهند و با پوشیدن لباس‌های نامناسب یا به کار بردن کلام زشت و ناپسند یا با گذاشتن سیگاری بر لب، می‌خواهند وجود خود را برای دیگران اثبات کنند. این قبیل اعمال نشانه ضعف روحی و ناتوانی در اثبات خود از راه درست و سازنده است.

۱- قرب الاسناد، حمیری، ص ۶۷

۲- اصول کافی، کلینی، ج ۶، ص ۴۹۱؛ وسائل الشیعه، شیخ حرعاملی، ج ۱، ص ۴۳۵

■ عفاف

عفاف حالتی در انسان است که به وسیله آن خود را در برابر تندروی‌ها و کندروی‌ها کنترل می‌کند تا بتواند در مسیر اعتدال و میانه‌روی پیش رود و از آن خارج نشود؛ یعنی در برآورده کردن هریک از علائق و نیازهای درونی به‌گونه‌ای عمل نمی‌کند که یا به‌طور کامل غرق در آن شود و از دیگر نیازها غافل شود یا به‌طور کل آن را کنار گذارد و به کوتاهی و تفریط دچار شود؛ بلکه در حد مطلوب و صحیح به برآورده کردن همه نیازها توجه دارد.

■ ارتباط عفاف با آراستگی و مقبولیت

یکی از جلوه‌های عفاف، مربوط به آراستگی و مقبولیت است. برخی انسان‌ها در آراستگی ظاهری و ابراز وجود و مقبولیت، دچار تندروی می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که در آراسته کردن خود، زیاده‌روی می‌کنند و به خودنمایی می‌رسند. قرآن کریم این حالت را «تبرّج»^۱ می‌نامد و آن را کاری جاهلانه می‌شمرد.^۲ همان دینی که ما را به آراستگی توصیه می‌کند، از خودنمایی و افراط در آراستگی پرهیز می‌دهد، زیرا زیاده‌روی در آراستگی و توجه بیش از حد به آن باعث غفلت انسان از هدف اصلی زندگی و مشغول شدن به کارهایی می‌شود که عاقبتی جز دور شدن از خدا ندارد.

انسان عقیف، چه مرد و چه زن، خود را کنترل می‌کند و آراستگی خود را در حد متعادل نگه می‌دارد و به «تبرّج» دچار نمی‌شود. انسان عقیف زیبایی ظاهری خود را وسیله خودنمایی و جلب توجه دیگران قرار نمی‌دهد و اجازه نمی‌دهد که به شخصیت انسانی او اهانت شود. او حیا می‌کند که برخی افراد به خاطر اموری سطحی و کوچک، زبان به تحسین و تمجید او بگشایند و به او به عنوان ابزاری برای لذت‌جویی نگاه کنند. او در وجود خود، استعداد و ارزش‌های برتر و والاتری می‌یابد که می‌تواند تحسین و احترام واقعی دیگران را برانگیزد.

همچنین یک انسان عقیف، از مقبولیت نزد همسالان و جامعه‌گریزان نیست؛ اما خود را با ارزش‌تر از آن می‌داند که بخواهد این مقبولیت را از راه جلب توجه ظاهری به دست بیاورد و خود را در حد ابزاری برای هوس‌رانی دیگران پایین آورد.

بنابراین، به همان میزان که رشته‌های عفاف در روح انسان قوی و مستحکم می‌شود، نوع آراستگی

۱- تبرّج از ریشه برج است و برج بنای بلندی است که از دور به آسانی می‌توان آن را دید. واژه تبرّج به این دلیل در بحث افراط در آراستگی به کار گرفته می‌شود که برخی برای جلب توجه دیگران، خود را به شکلی درمی‌آورند که توسط دیگران دیده شوند. امروزه تبرّج مصداق مختلفی یافته که برخی از آنها عبارت‌اند از استفاده از عطرها، تند، پوشیدن لباس‌هایی با عکس‌های نامناسب، پوشیدن لباس‌های بدن‌نما و پاره و ...

۲- سوره احزاب، آیه ۳۳

و پوشش او باوقارتر می‌شود و به همان میزان نیز که رشته‌های عفاف انسان ضعیف و گسسته می‌شود، آراستگی و پوشش او سبک‌تر و جنبه خودنمایی به خود می‌گیرد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«مبادا خود را برای جلب توجه دیگران بیارایی که در این صورت ناچار می‌شوی با انجام گناه به جنگ خدا بروی»^۱.

و امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

لباس نازک و بدن‌نما نپوشید؛ زیرا چنین لباسی نشانه سستی و ضعف دینداری فرد است.^۲

■ زن، مظهر عفاف

گرچه عفاف، خصلت هر انسان بافضیلتی، اعم از زن و مرد است، اما وجود آن در زنان و دختران ارزش بیشتری دارد. زیرا خداوند زنان را بیش از مردان به نعمت زیبایی آراسته است. زن، مظهر جمال و زیبایی است و این زیبایی، هم درونی و هم ظاهری است. احساسات لطیف زن که بیانگر زیبایی‌های درونی وی است، با زیبایی ظاهر او عجین شده است؛ برای حفظ همین نعمت است که خداوند احکام ویژه‌ای را برای زن قرار داده است، تا گوهر زیبای وجودش از نگاه ناهلان دور بماند و روح بلندش تحقیر نشود.

دریافت هر نعمتی از جانب خدا، مسئولیتی را نیز به همراه می‌آورد؛ همان‌طور که اگر کسی به نعمت علم زینده شد، نباید علمش را ابزار دست قدرتمندان ستم‌پیشه کند، نعمت زیبایی نیز نباید در خدمت

هوس‌رانان قرار گیرد. همان‌گونه که اگر انسان از علم خود به درستی استفاده نکند، به جای رستگاری، شقاوت نصیبش می‌شود، عرضه نابه‌جای زیبایی، به جای گرمی بخشیدن به کانون خانواده، عفت و حیا را از بین می‌برد و این گوهر مقدس را از او می‌گیرد.



فیلم

۱- بحارالأنوار، مجلسی، ج ۷۱، ص ۲۶۳

۲- همان، ج ۷۹، ص ۲۹۹

با توجه به شکل پوشش‌های موجود در جامعه برای پسران و دختران، بگویید که کدامیک از آنها عفت افراد را بیشتر تضمین می‌کند؟ چرا؟

.....

.....

.....

.....

اندیشه و تحقیق

- ۱- چه تفاوتی میان آراستگی و خودنمایی ظاهری است؟
- ۲- چرا خصلت ارزشمند عفاف در وجود زنان از ارزش بیشتری برخوردار است؟

پیشنهاد

- ۱- پیرامون ما افرادی هستند که با استفاده از خلاقیت‌های خود تحسین دیگران را برانگیخته‌اند و در زمینه‌های گوناگون هنری، ورزشی، علمی، اجتماعی و اخلاقی به فردی مؤثر در جامعه تبدیل شده‌اند. آنچه دربارهٔ عوامل این موفقیت می‌دانید، بیان کنید.
- ۲- با خود بیندیشید و ببینید که تا چه اندازه کوشش کرده‌اید آراستگی همراه با عفاف داشته باشید. آیا موانع درونی در مقابل این کوشش وجود داشته است؟ آنها را برای خود مشخص کنید و برای برداشتن آن موانع، راه حل مناسب تنظیم نمایید.

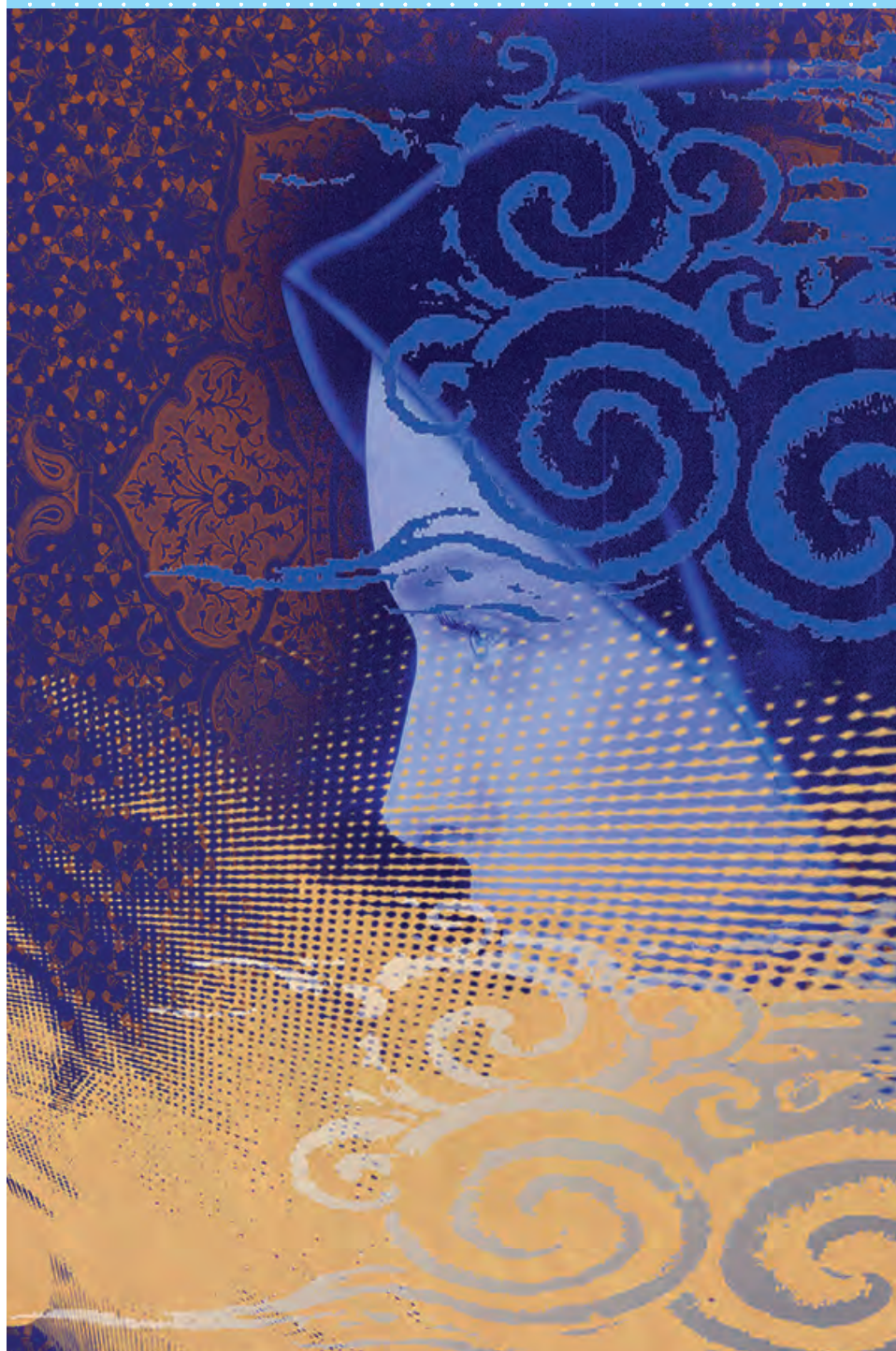
پاداشی به اندازه پاداش شهیدان!

امام علی علیه السلام :

پاداش انسان عفیف و پاک دامن که قدرت بر گناه دارد ولی آلوده نمی گردد، کمتر از پاداش مجاهد شهید در راه خدا نیست. همانا انسان عفیف و پاک دامن، فرشته ای از فرشته هاست.

نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی	غلامعلی حداد عادل	سروش	دانش آموز / معلم
مسئله حجاب	شهید مرتضی مطهری	صدرا	دانش آموز / معلم
حیا	امیرحسین بانکی پور	حدیث راه عشق	دانش آموز / معلم
درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام (بررسی مقایسه ای دیدگاه اسلام و غرب)	زیبایی نژاد و سبحانی	نصایح	معلم



قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا
 فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ
 بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿٢٠﴾ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ
 مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ
 زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ
 عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ
 أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ
 أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ
 أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ
 أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّبِيعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ
 أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَتِ النِّسَاءِ
 وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ
 مِنَ زِينَتِهِنَّ ۗ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا
 أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٢١﴾

سورة نور، آیات ۳۰ تا ۳۱

به مردان با ایمان بگو دیدگان خود را [از نگاه حرام] فرو بندند و پاک دامنی
ورزند که این برای آنان [پاک کننده ترو] رشد آورتر است؛ زیرا خدا به آنچه
می‌کنند آگاه است. ۳۰

و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از نگاه حرام] فرو بندند و پاک دامنی
ورزند و زیورهای خود را آشکار نمایند مگر آنچه [طبعاً] از آن پیداست و
باید روسری خود را بر گریبانشان [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای
شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان
یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [هم‌کیش] خود
یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد تابع [خانواده] که [از زن] بی‌نیازند یا کودکانی
که بر امور جنسی زنان آگاه نشده‌اند آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه‌ای
به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد. و ای مؤمنان،
همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید. ۳۱



در سبزه راهم زیبایی پوشیدگی



دنیای ما انسان‌ها، دنیای عجیبی است. با «کلامی» شوق حرکت در وجودمان جوانه می‌زند و با «لبخندی» روح امید از دست رفته به زندگی ما، دمیده می‌شود.

گاه با «سکوتی» معنای زندگی مان تغییر می‌یابد و با «فریادی» روش آن. «کلام»، «لبخند»، «سکوت» و «فریاد»، جلوه‌هایی آشکار از رفتارهای انسانی است که بر مسیر زندگی دیگران و چگونگی آن، اثرگذار است.

اما همیشه این گونه نیست؛ چه بسا بدون گفتار یا رفتاری، مسیر زندگی دیگران و چگونگی آن را تحت تأثیر قرار دهیم. آرامش و روان کسانی را برهم زنیم، قلوب پاکی را متزلزل کنیم، به تعهد و عشق همسرانی خدشه وارد کنیم و کانون گرم خانواده‌هایی را متأثر سازیم و این همه در حالی باشد که از وقوع این امور بی‌خبر باشیم.

شاید پرسید: واقعاً چنین چیزی ممکن است؟ این چه کاری است که این عواقب را به دنبال دارد؟ پوشش مناسب از نشانه‌های «عفاف» است، به گونه‌ای که از نوع پوشش هر کس می‌توان میزان توجه وی به این ارزش را دریافت. با اینکه خداوند هم زنان و هم مردان را به پوشیدن لباس مناسب دعوت کرده است، اما نسبت به پوشش زنان به دلیل بهره‌مندی آنان از نعمت جمال و زیبایی توجه ویژه‌ای دارد. با توجه به اهمیت پوشیدگی در دین، در ادامه برخی سؤالات رایج در این خصوص را مطرح و به آن پاسخ می‌گوییم.

■ آیا در قرآن کریم درباره عفاف و پوشیدگی، دستور خاصی وجود دارد؟

خدای متعال در قرآن کریم، هم برای مردان و هم برای زنان، وظایف خاص و روشنی تعیین کرده است که عبارت‌اند از:

الف) وظیفه مردان است که چشم خود را کنترل کنند و از نگاه به زنان نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از گناه نگه دارند.

ب) زنان نیز مانند مردان وظیفه دارند که از نگاه به نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از گناه حفظ نمایند.

ج) استفاده از زینت و زیورآلات نباید به گونه‌ای باشد که توجه نامحرم را به خود جلب کند.

د) زنان باید پوشش خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آنها را هم بپوشاند.^۱ در شرح و تفسیر آیات قرآن کریم، پیشوایان ما، حدود پوشش را مشخص کرده‌اند و ما را به رعایت عفاف دعوت کرده‌اند.

مثلاً امام کاظم علیه السلام در جواب برادرش که پرسید: «دیدن چه مقدار از بدن زن نامحرم جایز است؟»

فرمود: «چهره و دست تا میج».^۲

یکی از یاران امام صادق علیه السلام به نام فضیل بن یسار می‌گوید از ایشان پرسیدم: آیا ساعد زن از قسمت‌هایی است که باید از نامحرم پوشیده شود؟

فرمود: «بلی، آنچه زیر روسری قرار می‌گیرد، نباید آشکار شود. همچنین از میج به بالا باید پوشیده شود».^۳

۱- سوره نور، آیات ۳۰ و ۳۱

۲- قرب‌الاسناد، حمیری، ص ۱۰۲

۳- اصول کافی، کلینی، ج ۵، ص ۵۲۱؛ وسائل‌الشیعه، شیخ حرعاملی، ج ۳، ص ۲۵

همچنین از قرآن کریم به دست می‌آوریم که: این گونه پوشش سبب می‌شود که زن به عفاف و پاکی شناخته شود و افراد بی‌بند و بار که اسیر هوی و هوس خود هستند، به خود اجازه تعرض به او را ندهند:

ای پیامبر،

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ

به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو

قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ

پوشش‌های خود را به خود نزدیک‌تر کنند

يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ

این برای آنکه به [عفاف] شناخته شوند

ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ

و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است

فَلَا يُؤْذِينَ

و خداوند همواره آمرزنده و مهربان است.^۱

وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

■ آیا اسلام شکل پوشش را معین کرده است؟

می‌دانیم که امت اسلامی از اقوام و ملل گوناگون و با آداب و رسوم مختلفی تشکیل شده است که هر کدام پوشش و لباس مخصوص خود را دارند. حتی ممکن است در کشوری، مثل کشور عزیزمان ایران، اقوام مختلفی زندگی کنند که هر کدام از آنها پوشش خاصی برای خود برگزیده باشند. بنابراین، چگونگی و نوع پوشش، تا حدود زیادی تابع آداب و رسوم ملت‌ها و اقوام است. اسلام، ضمن پذیرش این تنوع و گوناگونی، مردان را موظف کرده است، لباسی بپوشند که وقار و احترام آنان حفظ شود و با ارزش‌های اخلاقی جامعه هماهنگ باشد. بنابراین، پوشیدن لباسی که آنان را نزد مردم انگشت‌نما کند یا وسیله جلب زنان نامحرم قرار گیرد، حرام است.

زنان نیز موظف‌اند که دو شرط زیر را رعایت کنند:

۱- تمام بدن خود را، به جز صورت و دست‌ها تا مچ، از نامحرم بپوشانند.

۲- پوشش آنان نباید نازک، چسبان و تحریک‌کننده باشد.

این وظیفه الهی، مانند هر عمل دیگری، هرچه کامل‌تر و دقیق‌تر انجام شود، نزد خدا با ارزش‌تر و آثار و ثمرات فردی و اجتماعی آن افزون‌تر است و فرد را به رشد و کمال معنوی بالاتری می‌رساند. از این رو، استفاده از «چادر» که دو شرط قبل را به طور کامل دارد و سبب حفظ هرچه بیشتر کرامت و منزلت زن می‌گردد و توجه مردان نامحرم را به حداقل می‌رساند، اولویت دارد.

۱- سورة احزاب، آیه ۵۹

■ آیا حجاب زنان، موجب سلب آزادی و کاهش حضور آنان در جامعه می‌شود؟

اولاً خداوند دستور حجاب را برای زمان حضور زن در اجتماع و مواجهه وی با نامحرمان قرار داده است نه برای داخل خانه؛ زیرا حجاب چگونگی پوشش زن را هنگام حضور در اجتماع مشخص می‌کند. این حکم نه تنها سبب کاهش حضور زنان نمی‌شود، بلکه سبب می‌شود تا حضوری مطمئن و همراه با امنیت داشته باشند و از نگاه ناهلانی که در جامعه حضور دارند، ایمن باشند. تجربه کشور ما به خوبی نشان می‌دهد که قانون حجاب نه تنها سبب کاهش حضور زنان در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و اجتماعی نشده بلکه حضور آنان چند برابر هم شده است.

دوم آنکه ادعای خانه‌نشینی کردن زنان و سلب آزادی آنان با نگاه قرآن و سیره پیشوایان دین ناسازگار است. قرآن کریم عفت حضرت مریم علیها السلام را در معبدی که همگان، چه زن و چه مرد، به پرستش می‌آیند، می‌ستاید؛ عفت دختران حضرت شعیب علیهم السلام را در حال چوپانی و آب‌دادن به گوسفندان در جمع مردان، مثال می‌زند. تاریخ نیز خبر از حضور زنان مسلمان در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، در پشت جبهه‌های جنگ برای پرستاری و کمک به مجروحان می‌دهد.

پس قانون حجاب، قانونی برای سلب آزادی زنان در جامعه نیست؛ بلکه کمک می‌کند تا جامعه به جای آنکه ارزش زن را در ظاهر و قیافه وی خلاصه کند، به شخصیت، استعدادها و کرامت ذاتی وی توجه کند. این امر موجب می‌شود سلامت اخلاقی جامعه بالا رود؛ حریم و حرمت زنان حفظ شود و آرامش روانی وی افزایش یابد.

فیلم (۱)

آیا افرادی که پایبندی به رعایت حجاب ندارند، واقعاً از شادایی و نشاط بیشتری برخوردارند؟ برای دیدن پاسخ این سؤال، این فیلم کوتاه را ببینید.

(تمامی فیلم‌های کوتاه معرفی شده در این کتاب در سایت گروه قرآن و معارف به آدرس <http://quran-dept.talif.sch.ir> در بخش «فیلم‌های کوتاه» بارگذاری شده است.)

■ آیا حجاب اختصاص به ما مسلمانان دارد؟

ادیان الهی، که در اصل و حقیقت، یک دین هستند، همواره بر پوشش تأکید کرده‌اند و آن را لازمه دین‌داری شمرده‌اند. مطابق با آیین یهود، زنان هنگام حضور در اجتماعات، موی سر خود را می‌پوشاندند و به حجاب پایبند بودند.^۱ در آیین مسیحیت نیز پوشش اهمیت زیادی داشته است و زنان معتقد به حضرت مسیح علیه السلام می‌کوشند مانند حضرت مریم علیها السلام موی خود را بپوشانند و با حجاب وارد جامعه شوند.

۱- تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۴، بخش اول، فصل یازدهم، ص ۴۶۱



نقاشان مسیحی، به خصوص نقاشان قدیم‌تر، تصویر حضرت مریم علیها السلام را با پوشش و حجاب کامل می‌کشیدند. همچنین از گذشته تا زمان حاضر، زنان راهبه و قدیس یکی از کامل‌ترین حجاب‌ها را انتخاب کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد که از نظر آنان، داشتن حجاب، به دین‌داری نزدیک‌تر و در پیشگاه خدا پسندیده‌تر است.

در دوران اخیر پابندی به تعالیم دینی کمتر شده و آن بخش از دستورات و سنت‌های حضرت موسی علیه السلام و

حضرت عیسی علیه السلام هم که باقی مانده، مورد غفلت قرار گرفته است و به آنها عمل نمی‌شود. بنابراین، بی‌حجابی زنان غرب نه تنها جایگاهی در اندیشه مسیحیت حقیقی ندارد؛ بلکه بازگشتی به سنت‌های مشرکانه قبل از حضرت مسیح علیه السلام محسوب می‌شود.

زنان ایرانی قبل از اسلام که عموماً پیرو آیین زرتشت بودند، با پوشش کامل در محل‌های عمومی رفت و آمد می‌کردند. پوشش و حجاب زنان در ایران باستان چنان برجسته بود که حتی برخی از مورخان غربی بر این باورند که می‌توان ایران باستان را منشأ اصلی گسترش حجاب دانست.^۱ در ادیان دیگر و عموم فرهنگ‌ها، پوشش زنان به صورت یک اصل پسندیده مطرح بوده و کمتر قوم و ملتی است که زنان آن پوشش مناسبی نداشته باشند. تفاوت‌ها مربوط به چگونگی و حدود آن بوده است.



زنان زرتشتی



راهبه‌های مسیحی

۱- تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۴، بخش اول، فصل هفتم، ص ۱۷۰

■ چه لذتی دارد ...

چه لذتی دارد وقتی در خیابان و کوچه راه می‌روی و صد قافله دل‌آلوده همراه تو نیست.
چه لذتی دارد وقتی در نابودی تعهد و عشق بین همسران سهیم نباشی و گرمای خانه‌ها را سرد نکنی.
چه لذتی دارد وقتی از سر پاکی و غیرت و مردانگی، بانوان و دختران سرزمینت را ناموس خود بدانی
و سرمایه پاکتی و نجابتشان را قربانی هوس‌های خود نکنی.

چه لذتی دارد که مردانگی را، نه فقط در پرورش اندام و قوت بازو، بلکه در توان خویشتن‌داری در
مقابل وسوسه‌های شیطانی معنا کنی.

چه لذتی دارد که بدانی دنیا راهی است به سوی خدا و در این راه نباید با نگاهت، با حرفت و با نوع
پوششت، سنگ راهی باشی و دلی را از حرکت در این مسیر بازداری.

چه لذتی دارد که فقط زندگی کوتاه دنیا را نبینی و نگاهی هم به زندگی بی‌پایان آخرت داشته باشی.
چه لذتی دارد وقتی در آلوده شدن چشم و قلب دیگران نقش نداشته باشی و بخشی از گناهان آنان را
پای نامه اعمال خود ننویسی.

چه لذتی دارد وقتی هدف خلقت خویش را فراموش نکنی و عمر گران‌بهای خود را پای میز آرایش
و دوختن و پوشیدن و نمایش دادن و به چشم‌ها نشستن، به پایان نرسانی.

چه لذتی دارد وقتی رضایت خدا را به رضایت انسان‌های هوس‌ران ترجیح می‌دهی.

چه لذتی دارد وقتی طعمهٔ قلاب شیطان برای دام انداختن دیگران نیستی.

چه لذتی دارد عقیف بودن!

فیلم (۲)

با دیدن این فیلم کوتاه، با یکی از آثار ترک حجاب آشنا شوید.

اندیشه و تحقیق

۱- برای حضور سالم در جامعه، چه پیشنهادهایی برای مردان و زنان دارید؟

۲- با اینکه پوشش بدن و حتی موی سر در دین حضرت مسیح علیه السلام یک امر پسندیده است،

برخی جوامع مسیحی نسبت به این موضوع بی‌توجه‌اند. به نظر شما، علت آن چیست؟

وضع جامعه اطراف خود را بررسی کنید و ببینید :

۱- رفتار پسران و مردان در جامعه چگونه باید باشد تا سلامت اخلاقی جامعه حفظ شود؟

۲- حفظ حرمت دختران و زنان تا چه میزان به وضع پوشش آنان بستگی دارد؟

۳- با دوستان خود مشورت کنید و ببینید که رعایت پوشش اسلامی توسط زن در هر یک از موارد زیر چه ثمراتی دارد.

۱- برای زن :

.....

.....

۲- برای مرد :

.....

.....

۳- برای خانواده :

.....

.....

۴- برای جامعه :

.....

.....

.....

معرفی کتاب

مخاطب	انتشارات	نویسنده	نام کتاب
دانش آموز / معلم	صدرا	مرتضی مطهری	نظام حقوق زن در اسلام
دانش آموز	مدرسه	جمعی از نویسندگان	پرسش های امروز جوانان
دانش آموز	سروش	امیرحسین بانکی پور	دختران آفتاب

